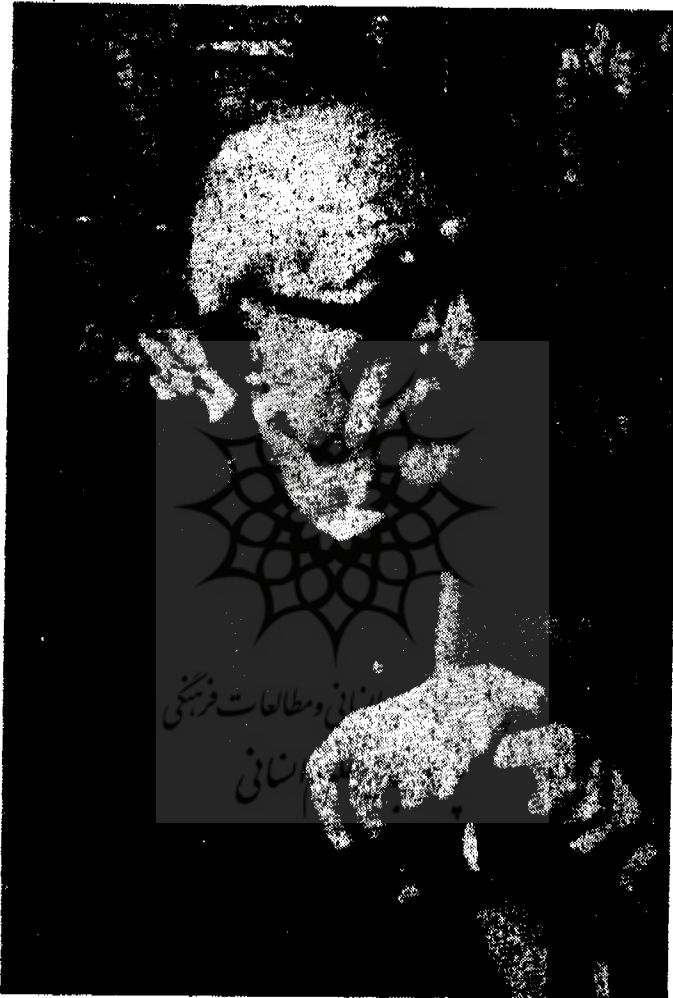


محمد علی معیری

« شمس العماره و باغ معیر »



مرحوم دوستعلی خان معیر الممالک

پس از شرحی پیرامون اشتباهات گوینده تلویزیون در باره چگونگی احداث « باغ - فردوس » واقع در تجریش که در شماره ۹ مورخ آذر ماه ۱۳۵۲ آن مجله « ارج درج افتاد اینک نوبت آن رسیده که توضیحاتی درباره بنای شمس العماره و باغ معیر داده شود. در صفحه ۵ از شماره ۱۳۱۷۳ مورخ ۱۸ مرداد ماه ۱۳۵۲ روزنامه اطلاعات مقاله

سودمندی زیر عنوان « بناهای صد ساله تهران زیر گیوتین! » بچاپ رسیده که من درموقع خود آنرا نخوانده بودم ولی هفته گذشته یکی از یاران مانوس از آن سخن بهمیان آورد و چون علاقه‌ام را بخواندن متن مقاله دید دیگر روز آنرا به دستم رسانید.

شك نیست که توجه اولیای دستگاه روزنامه اطلاعات به حفظ بناهای کهن تهران که نمونه بارزی از « شکفتنی‌های معماری سنتی و ریزه کاریهای هنرهای تزئینی، دوران گذشته است مورد ستایش و موجب سپاس علاقه‌مندان به آثار قدیمی هنر ایران می‌باشد اما از آنجا که در باره چگونگی بنای شمس‌العماره در مقاله یاد شده اشتباهاتی رفته ناگزیرم که به رفع آن پردازم. برای این کار بهتر آن دیدم که نخست عین شرح مندرج در روزنامه اطلاعات را در اینجا بیاورم سپس به نقل نوشته شادروان پدرم دوستعلی خان معیرالممالک در کتاب « یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه » راجع به شمس‌العماره مبادرت ورزم.

طی مقاله مورد گفت و گو چنین آمده : « یکی دیگر از محدود بناهایی که از قرن گذشته به جای مانده و در انزوای خود روبه ویرانی رفته است ساختمان شمس‌العماره است. این بنا که در زمان احداث بلندترین عمارت تهران بود در ضلع جنوب غربی خیابان ناصر خسرو قرار دارد. دستور ساختمان این بنا را ناصرالدین شاه قاجار صادر کرد و دوست محمدخان معیرالممالک خزانهدار دوران ناصری مأمور ساختمان آن گردید. « این ساختمان اکنون مورد توجه قرار گرفته و حسب الامر شاهنشاه آریامهر تحت تعمیر قرار دارد. »

اینک نوشته پدرم در بیان بنیان گذاری شمس‌العماره :

« روزی ناصرالدین شاه دوستعلی خان نظام‌الدوله معیرالممالک را گفت کاخی بلند پایه می‌خواهم که گاه از بالای آن به تماشای بهینه شهر و دورنمای اطراف آن پردازم و نیز به تنگی فضای تکیه حاج میرزا آقاسی تکیه‌ای دیگر با گنجایش کافی باید ساخته شود. معیری درنگ دست به کار زده پی‌ریزی شمس‌العماره و تکیه دولت را به وسیله استادان زیر دست آغاز نمود. حاج میرزا حسین خان سپهسالار که با معیرالممالک نرد مخالفت می‌باخت نهانی تنی چند را بر آن گماشت تا صورت مخارج مزبور را بردارند و در پایان کار آنرا برای مقابله و مقایسه با سیاهه تقدیمی معیر به دست شاه داده ضربتی کاری به کار حریف برد.

پس از دو سال بنای شمس‌العماره پایان یافت و مخارج آن از هرجهه با ائانه و فرش و غیره به چهل هزار تومان بالغ گردید. معیر جشنی درخور برپا ساخت و شاه با تشریفات لازم به کاخ بلند گام نهاد. حاج میرزا حسین خان سپهسالار نیز در حضور بود و به انتظار نتیجه نقشه خویش با ناشکیبائی بسر می‌برد. شعرا با مدیحه‌های آبدار مقدم خسروانه و میمنت کاخ تازه را ستودند. شاه پس از بازدید قسمت‌های مختلف بنا و تحسین بسیار رو سوی معیرالممالک نموده گفت: « به راستی بنای زیبا و باشکوهی است ولی باید برای دولت گران تمام شده باشد! » معیر به عرض رسانید: « قربان، بهتر است بفرمائید برای چاکر گران تمام شده زیرا بنا را که شمس‌العماره نام نهاده‌ام با هرچه در آن است تقدیم خاکپای همایونی میدارم و طومار آن اینک از لحاظ مبارک می‌گذرد. آنگاه گامی پیشتر نهاده صورت مخارج را به دست شاه داد، سلطان

از شنیدن این سخن تغییر قیافه داد و با نگاهی خشمناک سوی حاج میرزا حسین خان نگرست که معنای آن از نظر حاضران پوشیده نماند و مفسد، سرشمرساری بزیر افکند...
چنانکه ملاحظه می‌افتد شمس‌العماره به همت دوستعلی خان نظام‌الدوله معیر الممالک بنیان نهاده شده نه به دست پسرش دوستمحمد خان معیر الممالک و هزینه آن نیز بحساب خزانه دولتی منظور نشده بلکه از کیسه شخصی معیر پرداخت گردیده.

و اما در باره خانه مسکونی اجدادی در تهران که به «باغ معیر» مشهور است در مقاله مندرج در روزنامه اطلاعات چنین اشاره رفته: «از فعالیت دلان عشقه سخن گفتیم و بگذارید یادآور شویم که این عناصر سودجو و منفعت‌پرست طی چند سال اخیر بیش از یکصد و بیست دستگاه از این گونه ساختمانهای قدیمی را ویران کرده و اراضی آنها فروخته‌اند که از آن میان می‌توان به ساختمانهای معروفی چون ساختمان معیر در خیابان خیام و... اشاره کرد.»
از آنجا که این ادعا عین حقیقت است - مگر در باره محل ساختمان معیر - و امروز از باغ و ساختمانهایش جز نامی در میان نیست جای آن دارد که از «سرگذشت» باغ معیر هر چه کوتاهتر یاد شود تا اگر از آن همه آثار هنری و زیبایی اثری برجای نمانده این سطور در دفتر معتبر باقی بماند و علاقمندان را روزی به کار آید.

باغ معیر به دست حسینعلی خان معیر الممالک پدر دوستعلی خان که در شرح شمس‌العماره نامش رفت احداث و تا اندازه‌ای آباد گردید. باغ مزبور که در امتداد بازارچه قوام‌الدوله و بازارچه معیر شروع و به سمت جنوب کشیده می‌شد دارای دو اندرون هر یک شامل دو دستگاه بنای دو طبقه بود که یکی را به اصطلاح آن زمان کلاه فرنگی می‌نامیدند. قسمت بیرونی باغی بود با حدود سیصد متر وسعت که در قسمت غربی آن عمارتی بزرگ و دو طبقه با تالارها و اطاقهای بسیار و حوضخانه‌های زیبا و پر نقش و نگار با سقف مقرنس کاری خودنمایی می‌کرد. ناگفته نماند که بناهای یادشده جمله از حسین‌علی خان نبود و پس از او پسرش دوستعلی خان - نظام‌الدوله معیر الممالک بر آن چه که از پدر بود دوچندان افزود. اندرونی سمت شرقی را بنا نهاد و در بهتر و زیباتر ساختن دیگر ساختمانها و باغ به جان کوشید و بالاخره دوستمحمدخان - معیر الممالک فرزند نظام‌الدوله آبادی باغ و آراستن برون و درون عمارتها را به نهایت رسانید. ضمناً قسمت وسیعی از جبهه جنوبی باغ را به بستگان همسرش عصمه‌الدوله دختر ناصرالدین شاه واگذار نمود تا در جوارش مسکن گزینند. مقداری از زمین‌های سمت شرقی را نیز به فرزندش دوستعلی خان معیر الممالک اخیر پدر گرامیم بخشید تا در آن خانه‌ای جداگانه بسازد و پس از اختیار همسر در آن زندگی کند. با گذشت روزگار و پیش آمدهای گوناگون ناگوار باقی مانده زمین‌های باغ به تدریج فروخته شد تا این که تنها نیمی از اندرونی شرقی بجا ماند، این قسمت دارای یک تالار آئینه و ده اطاق بزرگ و دوازده زمین بود که تا دو سال پیش ما بازماندگان پدر در آن روزگار می‌گذراندیم اما همان گونه که در مقاله روزنامه اطلاعات بیان رفته سرانجام به محله‌ای کوچک باده‌ها باب خانه و حیاط تبدیل یافت. اکنون جز چند درخت بلوط و آزاد و نارون که نسال که در کنار کوچه‌های جدید و با درون خانه‌های تازه ساز هنوز قد بر افراشته دارند از بساط باغ معیر اثری دیگر نمیتوان یافت. . .

بی جا نیست که با شرحی کوتاه از تالار آمینه این مقال را پایان بخشم : این تالار در ضلعهای شمالی و جنوبی دو شاه نشین ناقزینه داشت . سقف و نیمی از بدنه اش آمینه کاری بود که بر متن آن به دست استادان کار، گچ بریهائی بس ظریف نقش بسته بود. بر گیلومی پهنی که سقف ضریبی را از دیوارها جدا می ساخت بیست و شش مجلس زیبا به قلم استاد بهرام نقاش معروف دوران ناصری بر گچ درون قابهای آمینه کاری در نهایت اصالت جلوه گری می کرد و بسیاری از دسته گلهای گچ بری سقف نیز بدست نقاش مزبور به سبکی بدیع رنگ آمیزی شده بود، چهار تصویر از زنان زیبا بر پشت شیشه های محدب درون قابهای مطالی بیضی شکل و شش دورنمای رنگ روغن اثر قلم استادان اروپائی مربوط به اوایل و اواسط قرن گذشته میان بساط خیر کننده آمینه ها و رنگها ستاره وار میدرخشیدند و بدین گونه مجموعه ای گیرا و گرانها از هنرهای زیبا و تزئینی دوران گذشته به یکجا گرد آمده بود که اکنون هر ذره اش جانی افتاده و کس را از آن خیر نیست ...

مجله یغما - دوست عزیز محمد علی معیری نویسنده این مقاله ، از دست رفتن این بنای هنری و خانه پدری را به شرحی نقل می فرمود که دود از نهاد برمی آید . چه روزها که در این خانه با مرحوم معیر سرگرم گفتگو و خواندن شعر و تماشای کبوتران بودیم ...
 دریفا کان همه شد طی دریفا
 دریفا ای دریفا ای دریفا
 یادداشت هائی بود از مرحوم معیر ، به خط خودش ، و بصورت کتاب ، چه بجاست که آقای معیری قسمتی از آن یادداشت های شیرین و لطیف را به خوانندگان مجله اهدا فرماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

سوگند

بخود نمائی معصوم دختران سوگند
 بخنده طرب افزای صبحگاه بهار
 بسوز سینه عشاق دل شکسته قسم
 به آرزو، به تغافل، به آشتی، به جدال،
 که دل ز صحبت گل دختران نخواهم شست

پژمان بختیاری